

# گفت‌و‌گو با مینا نواب صفوی کارشناس مسئول گروه برنامه‌ریزی درسی هنر در مسیر زیبایی شناسی

اشاره

درس هنر در پایه‌ی اول ابتدایی، از دروسی است که کتاب درسی ندارد، اما آموزگارها براساس برنامه‌ی درسی تهیه شده توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی این درس را پیش می‌برند. در راستای هم‌سوسازی با برنامه‌ی درسی ملی، برنامه‌ی درسی هنر نیز هم‌چون دیگر دروس دوره‌ی اول ابتدایی، تغییراتی به خود دیده است. خانم مینا نواب صفوی کارشناس مسئول گروه برنامه‌ریزی درسی هنر و از تدوین‌کنندگان برنامه‌ی درسی هنر، در گفت‌و‌گو با ما از رویکردها، محورها و اولویت‌های این برنامه سخن گفته است.

ظرفیت تفکر و تعقل را دارد، ما به عنوان مربی باید کاری کنیم و زمینه‌ای را فراهم کنیم که متریبان ما روش تفکر و تعقل را یاد بگیرند. یعنی آن‌چه را در اطرافشان است، می‌بینند، می‌شنوند و لمس می‌کنند را کنار هم بگذارند و از مجموعه‌ی این‌ها نتیجه‌گیری درست کنند و به مفاهیم تازه‌تر برسند.

این‌ها به مرور زمان برایشان به‌صورت یک باور درونی و ایمان درمی‌آید و بر مبنای این ایمان دست به عمل می‌زنند و وقتی که عمل بر مبنای تفکر و تعقل است و بر مبنای دانشی که از جهان خلقت کسب می‌شود، در نهایت به این می‌رسیم که عمل باید اخلاقی باشد.

● **با انجام عمل اخلاقی می‌خواهید در نهایت به چه چیزی برسید؟**

اگر عمل اخلاقی شد، نیت عمل برای خداست. هر کاری که فرد می‌کند، نفس کشیدن، خوابیدن، ساختن، خراب کردن و همه‌چیز او در ارتباط با خداست. در چنین شرایطی ما به انسان کاملی می‌رسیم که تعریفش را داریم.

● **برنامه‌ی جدید با برنامه‌ی گذشته چقدر تفاوت دارد؟**

برنامه‌ی درسی هنر را از انتهای سال ۱۳۷۸ شروع کردیم. در آن سال میانی ما تقریباً همین‌ها بوده؛ ولی با زبان و بیانی دیگر. الآن که در برنامه‌ی خود بازنگری کردیم و با برنامه‌ی درسی ملی مقایسه کردیم، دیدیم که رویکرد ما هیچ

● **امسال هم‌سوسازی برنامه‌ی درسی را با برنامه‌ی درسی ملی داشته‌ایم. هم‌سوسازی درس هنر تا چه حد صورت گرفته است؟**

ما یک برنامه داریم که نگاشت سوم برنامه‌ی درسی ملی است. این برنامه هنوز به تصویب نهایی نرسیده است و در حال حاضر مراحل نهایی تصویب را طی می‌کند. آن‌چه که ما مطمئن هستیم بخش‌هایی از این برنامه است که به یقین به تصویب می‌رسد. یکی از مهم‌ترین این بخش‌ها، الگوی هدف‌گذاری است. الگوی هدف‌گذاری در یک ماتریس با پنج عنصر و چهار عرصه ترسیم شده است. ما سعی کردیم این عنصرها و عرصه‌ها را در سال جاری داخل برنامه وارد کنیم. عرصه‌ها عبارتند از: ۱. خود ۲. خدا ۳. خلقت ۴. خلق. یعنی دانش‌آموز باید خود را بشناسد، ارتباط خود با خدا را بشناسد، خودش را به عنوان آفریده‌ی خدا و جزئی از خلقت خدا بشناسد و بتواند با مخلوقات خدا ارتباطی خوب برقرار کند. شاید این همان چیزی باشد که ما به زبان ساده‌تر به آن کسب مهارت‌های زندگی و شهروندی می‌گوییم.

● **عناصر محوری ماتریس چه مواردی است؟**

وقتی اسلام، انسان را تعریف می‌کند و می‌گوید: «من عرف نفسه، فقد عرف ربه» به این می‌پردازد که تفاوت انسان با سایر موجودات تفکر و تعقل است. بر این اساس اولین عنصر عمودی این ماتریس تفکر و تعقل است. اگر انسان این



فرقی با رویکرد این برنامه ندارد.

### ● برنامه‌ی درسی هنر چه رویکردی را پی می‌گیرد؟

رویکرد ما تربیت هنری است. در تربیت هنری می‌گوییم مربی باید فضا و شرایطی را ایجاد کند که در آن فطرت الهی دانش‌آموز یا متربی، شکوفا شود. اما چون کار ما هنر است، از ابعاد متعدد فطرت، بر بحث زیبایی و زیبایی‌شناسی تأکید داریم. اگر بعد زیبایی که در فطرت و خلقت انسان است شکوفا و تقویت شود و برایش زمینه‌ی بروز و ظهور پیدا شود و دانش‌آموز به زیبا دیدن، زیبا گفتن، زیبا عمل کردن، زیبا اندیشیدن، نیت زیبا داشتن، قدم خیر برداشتن و به سوی خیر و نیکی سوق داده شود، به قول استاد شهید **مرتضی مطهری** آن وقت از زشتی‌ها دور می‌شود. این کار آسانی است. وقتی به هر چیزی که دور و برمان است، نگاه می‌کنیم همه‌چیز زیباست. به‌ویژه توجه به زیبایی‌های درونی مثل مهربانی، مثل کمک کردن و دوست داشتن باید مدنظر ما قرار گیرد.

### ● فعالیت‌های برنامه‌ی درسی هنر از چه راه‌هایی انجام می‌پذیرد؟

ما در فعالیت‌هایی که در برنامه‌ی درسی هنر تعریف کرده‌ایم، سعی می‌کنیم فعالیت‌هایی به صورت فردی یا گروهی انجام دهیم تا بچه‌ها به سمت این زیبایی‌ها و در نهایت خالق این زیبایی‌ها سوق یابند. می‌خواهیم توجهشان دهیم و حساسشان کنیم. این کار از طریق بازی‌ها و فعالیت‌های گوناگون انجام می‌شود.





## ● اشاره کردید که رویکرد شما تربیت هنری است، تربیت

### هنری به چه معناست؟

ما از سال ۱۳۷۹ شروع به اجرای برنامه کردیم و همه‌ی آن‌چه که اشاره کردم در برنامه‌ی ما وجود داشت. ما تربیت هنری را در پنج رکن یا حوزه تعریف کردیم و اولین حوزه را نیز زیبایی‌شناسی تعریف کردیم. این برنامه به صورت کتابی با شماره‌ی ۵۳/۴ منتشر شده است. در بخش اول این کتاب زیبایی‌شناسی را تعریف کرده‌ایم و گفته‌ایم ما زیبایی‌ها را در دو بخش می‌بینیم: «زیبایی‌های درونی و زیبایی‌های بیرونی». هم‌چنین اشاره کرده‌ایم اگر در آفریده‌های خدا دقت کنیم در نهایت وحدت وجود و زیبایی‌ها را می‌بینیم. این اولین رکن تربیت هنری است.

### ● مرحله‌ی زیبایی‌شناسی در نهایت باید به چه نتیجه‌ای برسد؟

در این مرحله، دانش‌آموزان باید نسبت به زیبایی‌ها حساس شوند. خوب ببینند، خوب بشنوند و حتی صدای قلب انسان یا صدای بارانی را که صدای زیبای حیات است، بشنوند.

### ● رکن دوم تربیت هنری چیست؟

رکن دوم، ارتباط با طبیعت و خلقت است. آن‌طور که در برنامه‌ی درسی ملی آمده است، خلقت در دو بخش تعریف شده است. بخشی از آن طبیعت و بخش دیگر ماوراءالطبیعه است. بچه‌های ما، در دوره‌ی ابتدایی در مرحله‌ی رشد تفکر مادی و عمل‌کردی هستند. بنابراین بر بخش طبیعت خیلی تأکید کرده‌ایم تا بچه‌ها زیبایی‌ها را در طبیعت اطراف خود ببینند، آن‌ها را درک کنند و از آن‌ها در تولید آثار هنری استفاده کنند.

### ● رکن سوم شامل چه مواردی است؟

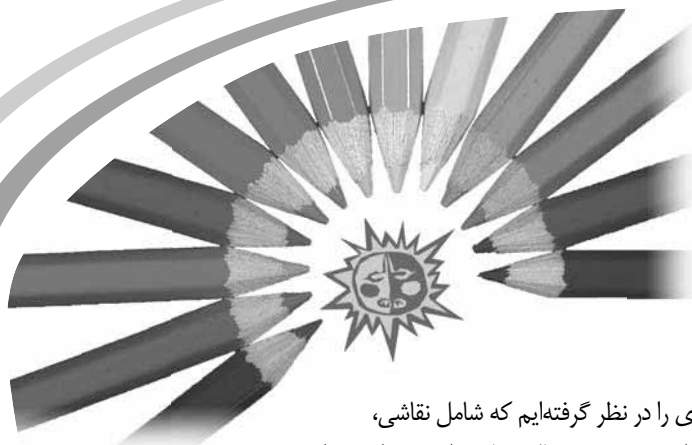
بخش سوم، آشنایی با تاریخ هنر ایران است. تاریخ هنر موضوع بسیار بزرگی است. برای این که در حد دانش‌آموز ابتدایی و به‌ویژه کلاس اول کار شود، ما آشنایی با آداب و رسوم و میراث فرهنگی را مطرح کرده‌ایم. میراث فرهنگی دارای یک بخش مادی و یک بخش معنوی است و در هر منطقه‌ای دیده می‌شود. جشن نوروز همه‌جا هست. همین‌طور روز معلم، ماه محرم و ماه رمضان همه‌جا هستند که به اقتضای خود در مناطق گوناگون آداب و رسومی دارد و ما از آموزگاران می‌خواهیم که بچه‌ها را با این آداب و رسوم آشنا کنند. این امر به آشنایی با سنت‌ها و هم به جهت حفظ میراث فرهنگی مهم است. میراث فرهنگی علاوه بر این که ریشه‌های تاریخی دارد، زیبایی‌های خاص خود را نیز دارا است و به زندگی معنی می‌دهد. همین‌طور زبان، لباس پوشیدن و چیزهای دیگری که مظاهر میراث فرهنگی به حساب می‌آیند، برای ما اهمیت دارد.

### ● برای آشنایی دانش‌آموزان با میراث فرهنگی و آداب و رسوم، معلم باید چه فعالیت‌هایی را ترتیب دهد؟

ما در هر مرحله و یا در هر منطقه‌ای یک مسجد، امام‌زاده یا بنای قدیمی داریم. بچه‌ها بروند و این‌ها را ببینند. مشاهده کنند که شکل آن‌ها چطور است و فضایش چگونه است. تزیینات این فضاها چه‌طور است و آیا کاشی‌کاری دارد؟ آینه‌کاری دارد؟ درهایش چگونه است؟ هم‌چنین در هر منطقه‌ای ما هنرهای ویژه‌ای داریم. مثلاً در کرمان پته‌دوزی داریم. در بلوچستان سوزن‌دوزی و در جاهای دیگر قالی و گلیم‌بافی، سفال‌گری و بسیاری هنرهای دیگر داریم. بچه‌ها گاهی در محله‌ها و در خانه‌هایشان این‌ها را می‌بینند و با آن آشنا می‌شوند. معلم‌ها بچه‌ها را تشویق کنند با دقت بیشتری به این زیبایی‌ها نگاه کنند. به این صورت با روش کار و مواد اولیه‌ی آن‌ها هم آشنا می‌شوند.

### ● چهارمین و پنجمین رکن تربیت هنری چیست؟

رکن چهارم، تولید هنری است. در تولید هنری بچه‌ها از سه رکن اولیه برای تولید هنریشان کمک می‌گیرند. آن‌چه در طبیعت، زیبایی‌ها و آداب و رسوم دیده‌اند برای تولید هنری استفاده خواهند کرد. حال تولید هنری اعم است از کاردستی، نقاشی، سفال‌گری، قصه، نمایش، سرود و شعر. رکن پنجم هم، نقد هنری است. نقد، حوزه‌ی وسیع و سنگینی است و برای نقد کردن باید خیلی از عوامل را شناخت. اما در دوره‌ی ابتدایی متناسب با روحیات و توانایی‌های دانش‌آموز ابتدایی گفته‌ایم، نقد در این حد است که وی بداند، فرآیند تفکری که طی کرده است، در انتخاب ایده‌ی هنری تا پرورش و اجرای آن ایده چگونه باید بازگو شود. وقتی کارش تمام شد، آن را به دیگران نشان دهد و بعد هم آن‌چه را تولید کرده، بازنگری کند تا ببیند چطور می‌توان آن را بهتر کرد و این همان چیزی است که همیشه به ما یاد داده‌اند. به این معنی که «نفس‌تان را محاسبه کنید، قبل از این که از شما حساب بخواهند». الان هم قبل از این که درباره‌ی کار بچه‌ها، معلم یا هر کس دیگری نظر دهد، اول خودشان نظر می‌دهند تا ببینند چطور می‌توان این کار را بهتر



انجام داد و یا کجای کار ایراد دارد تا آن را رفع کنند. اگر این پنج قسمت بتواند در درس هنر به طور کامل اجرا شود و معلم بتواند به خوبی آن را درک و سپس در کلاس پیاده کند، فکر می‌کنم زمینه‌ی مناسبی برای تربیت بچه‌ها ایجاد خواهد شد.

### • تربیت هنری در قالب چه رشته‌هایی در کلاس به اجرا درمی‌آید؟

👉 برای تحقق این عوامل، ما پنج رشته‌ی هنری را در نظر گرفته‌ایم که شامل نقاشی، کاردستی، تربیت شنوایی، قصه و نمایش است. برای این پنج رشته، فعالیت‌هایی را تعریف کردیم که به طور غیرمستقیم بچه‌ها را به سمت آن مبانی نظری سوق می‌دهد.

### • آیا این فعالیت‌ها به صورت فردی انجام خواهد شد یا جمعی؟

👉 در تغییرات جدید یک نکته به نام صلاحیت مشترک داریم که به اعتقاد ما در سایه‌ی تربیت هنری اتفاق می‌افتد. شما وقتی به جدول برنامه‌ی درسی ملی نگاه می‌کنید، می‌بینید تمام مواردی که در جدول آمده است، ما در کارهای گروهی به آن می‌رسیم. مثلاً نقاشی گروهی، سرودخوانی گروهی، کار گروهی نمایش داریم، این کارها فضایی است تا صلاحیت‌های مشترک شکل گیرد و حتی فرصت کار بیشتر روی آن هم وجود دارد. شاید در درس‌های دیگر این فرصت نباشد، ولی در هنر به دلیل آزادی که دارد و به دلیل این که اصولاً هنر واگراست، توانایی‌های فردی بروز می‌کند. مثلاً وقتی به دانش‌آموزان می‌گویید امروز می‌خواهیم گل و گلدان بکشیم، اگر ۳۰ دانش‌آموز وجود داشته باشد، ۳۰ گونه گل و ۳۰ نوع گلدان خواهند کشید. یعنی هیچ‌گاه یک جواب مشخص و از پیش تعیین شده برای کار هنر وجود ندارد. همیشه جواب‌ها درست و متعدد و به تعداد سلیقه و ذوق و توان‌مندی بچه‌ها وجود دارد. خصوصاً که در پایه‌ی اول توان‌مندی‌های بچه‌ها خیلی با هم متفاوت است. بنابراین دست معلم باز است که روی تمام صلاحیت‌های مشترک کار کند و آن‌ها را تقویت کند.

### • اشاره کردید که برنامه، تغییرات جزئی داشته است. این تغییرات بر چه محورهای استوار بوده است؟

👉 تأکیدها بیشتر بر صلاحیت‌ها و یادگیری‌های مشترک است. در مرحله‌ی دیگر تأکید بیشتر بر تفکر و تعقل است، به این ترتیب که هرگاه آموزگار موضوعی را طرح می‌کند، بلافاصله به بچه‌ها فرصت دهد، درباره‌ی موضوع فکر کنند، با دوستانشان مشورت و گفت‌وگو کنند و بعد تصمیم بگیرند. سپس به محض این که آموزگار موضوع را طرح کرد، از بچه‌ها نخواهد که کار را انجام دهند. نکته‌ی بعد، تنوع فضاهای یادگیری است. ما یادگیری را منحصر به کلاس درس نمی‌بینیم. اگر قرار است که دانش‌آموز یاد بگیرد، همه‌جا در حال یادگیری است. اگر چهار ساعت در مدرسه است، ۲۰ ساعت را بیرون از مدرسه سپری می‌کند. پس در بیرون پنج برابر





بیشتر فرصت یادگیری دارد. منتها معلم باید آن را سازمان‌دهی کند. بچه‌ها به آن چه در اطرافشان هست، دقت کنند و برای مثال این هفته به هر آن چه به رنگ زرد است توجه کنند. ببینند رنگ زرد را در چه چیزهایی می‌بینند و هفته‌ی بعد که به کلاس هنر می‌آیند، آن‌ها را معرفی کنند. یا هفته‌ی بعد روی شناخت سه گوشه‌ها، یا گردی‌ها وقت بگذارند. به عنوان مثال از صفحه‌ی ساعت خود بگویند که گرد بود. قاب عینک، ظرف غذا و توپ که گرد بوده‌اند. البته موضوعات دیگری هم در فعالیت‌های ما هست که معلم می‌تواند مشابه آن‌ها را برنامه‌ریزی کند و از بچه‌ها بخواهد به آن‌ها دقت کنند.

### ● برای تحقق اهداف برنامه‌ی درسی، معلم باید چگونه عمل کند؟

یکی از چیزهای دیگری که از معلم‌ها خواسته‌ایم این است که بچه‌ها را تشویق کنند. وقتی بچه‌ها فعالیتی را در ساعت هنر انجام می‌دهند، در طول هفته به آن فکر کنند و جلسه‌ی بعد بگویند، برای تکمیل آن فعالیت چه چیزهایی به ذهنشان رسیده است؟ در نتیجه اگر ما تا آن هنگام فقط کلاس درس را به عنوان فضای یادگیری داشتیم، الآن خانه، کوچه، تلویزیون و سایر رسانه‌های گروهی را هم داریم و همه‌ی این‌ها می‌توانند فضای یادگیری باشند. ما می‌خواهیم بچه‌ها روی محیط اطرافشان حساس شوند. محیط شامل عواطف و احساسات و حرف‌های خانواده و هر چیز دیگر مانند درخت و رودخانه و زمین است. سعی کنند از این‌ها نکات جدید بیاموزند و چیزهای تازه‌ای ببینند تا به خلاقیتشان کمک کند.

### ● در هفته چند ساعت به کلاس هنر اختصاص می‌دهید؟

کلاس اول در هر هفته فقط ۲ ساعت وقت دارد.

### ● با این فرصت، این مواردی که گفتید چگونه اجرایی خواهد شد؟

ما برای هر درسی یک کارکرد اولیه و یک کارکرد ثانویه داریم. کارکرد اولیه، اصول و مبانی است که در زنگ همان درس گفته می‌شود. اما کارکرد ثانویه کاربردهای آن درس در زنگ‌های دیگر و برای درس‌های دیگر است. به فرض آموزگار می‌خواهد ریاضی درس دهد و مفهوم عدد دو را بیاموزد. وقتی می‌گوید دو تا ۲ را نشان دهید. گاه دو تا گل نشان می‌دهد و گاهی دو مداد و گاهی دو انگشت. برای همه‌ی این‌ها می‌توان به زیبایی، رنگ و شکل هم اشاره کرد. بنابراین همه‌ی این‌ها تلفیق در درس‌های دیگر است. ما می‌توانیم همین‌ها را در درس فارسی هم داشته باشیم. ما تمام آن‌چه را در ارتباط با طبیعت یا خلقت می‌گوییم، چیزهایی است که در درس علوم هم وجود دارد. به همین دلیل به یادگیری‌ها و

○ .....  
**به یادگیری‌ها و صلاحیت‌های مشترک تأکید داریم**  
 و کاری که درس هنر انجام داده، این است که آن چه در ریاضی، علوم، یا هر درس دیگری وجود داشته است، قدری با زیبایی‌ها تلطیف کرده است ○.....

### ● با توجه به این که بخشی از مباحث نظری شما

**فلسفی و اعتقادی است، فکر نمی‌کنید سطح مطالب از دانش معلمان بالاتر باشد و یا برای اولین گام درکش مقداری سخت باشد؟**

نه این طور نیست، به دلیل این که ما هشت سال است که این مباحث را به آموزگاران آموزش می‌دهیم. هر سال در این ارتباط، بیش از ۷۰۰ مدرس کشوری از استان‌های کشور را آموزش داده‌ایم. به خصوص که بیشتر کلاس‌های مربوط به مبانی را خودم تدریس کرده‌ام و ارتباط معلمان را با موضوع دیده‌ام. چون فعالیت‌ها در قالب هنری است، خیلی راحت ارتباط برقرار می‌کنند و خیلی برایشان ملموس است. مثل شعر خواندن، نقاشی کشیدن یا کار دستی و قصه. آن جا با مثال‌هایی که برایشان گفته می‌شود، موضوع روشن می‌شود.

### ● آیا در روش تدریس دچار تغییر خواهیم شد؟

ما استفاده از روش را آزاد گذاشته‌ایم. گفتیم هر معلم با توجه به شرایطی که در کلاس و مدرسه‌اش دارد و با امکاناتی که در

اختیار دارد، فقط از روش‌های فعال استفاده کند. به عبارتی فعالیت را به عهده‌ی دانش‌آموز بگذارد و خودش او را هدایت کند. مستقیم وارد فعالیت نشود، آموزش مستقیم نداشته باشد، الگو به بچه‌ها ندهد، ولی سعی کند ذهن آن‌ها را طوری برانگیزد که خودشان دست به فعالیت بزنند. اتفاقاً این را در اجراهای آزمایشی و بازدید از استان‌ها موفق دیده‌ایم. برای این که در این سن و سال کم، بچه‌ها به فطرت خودشان نزدیک‌تر هستند و وقتی آموزگار اجازه‌ی فعالیت به آن‌ها می‌دهد، خیلی خوب فعالیت می‌کنند و به خوبی پیش می‌روند. حتی در کلاس‌های اول و دوم خلاقیت بچه‌ها خیلی بیشتر است. چون هنوز در چارچوب دو در دوهایی که ما معلمان می‌کشیم، وارد نشده‌اند، ذهنشان باز است و تخیلشان قوی است.

### ● نحوه‌ی ارزش‌یابی چگونه خواهد بود؟

ارزش‌یابی همان ارزش‌یابی توصیفی است که از طرف شورای عالی آموزش و پرورش تصویب و به ما ابلاغ شده است.

### ● در ارزش‌یابی توصیفی چه مسائلی را مدنظر دارید؟

ما روی چارچوب‌های اساسی متمرکز می‌شویم. این چارچوب‌ها اساس، رعایت تناسب و زیبایی‌هاست. چه چیز زیبایی می‌آفریند؟ یکی تعادل است و دیگری تناسبات، هم‌آهنگی بین عناصر موجود در کار. به‌ویژه پیشرفت دانش‌آموز را نسبت به خودش می‌سنجیم. آیا روز اول دانش‌آموزی که می‌خواست گربه بکشد، در این کار موفق شده است؟ اگر کسی کار او را دید، خواهد گفت گربه است؟ و حالا که سال تحصیلی تمام شد، بچه‌ی ما در کشیدن گربه چقدر پیشرفت کرده است؟ همین‌طور در خواندن شعر، گفتن قصه که هر کدام مبانی خود را دارد.

### ● با توجه به این که در هنر هیچ دو

دانش‌آموزی مثل هم نیستند، این‌جا

ارزش‌یابی یک مقدار سخت خواهد بود.

چگونه می‌توان از دخالت سلیقه و قضاوت

آموزگار در ارزش‌یابی جلوگیری کرد؟

من فکر می‌کنم هیچ‌گونه نمی‌توان جلوی

اعمال سلیقه و قضاوت شخصی را گرفت. فقط آن‌چه

ما در کلاس‌هایمان به معلمان همیشه توصیه و تأکید

کرده‌ایم این است که به سلیقه، ذوق و تخیل بچه‌ها

احترام بگذارند. همین‌قدر که دانش‌آموز می‌آید فعالیت

می‌کند و همین‌قدر که تلاش می‌کند و فعالیتش را

بهتر از قبل انجام می‌دهد، او دارد در حد انتظار ما کار

می‌کند. اصلاً هیچ قانون خاصی هم نداریم که من

بگویم اگر دانش‌آموز از رنگ خاص و نقش خاص استفاده کرد، خوب است، با آزادی کامل پیش می‌رویم. فقط بچه تلاش کند

که آن‌چه را در ذهن، احساس و تخیلش هست، با بیان هنری نشان دهد؛ ضمن این که همواره تأکید می‌کنیم معلمان تفاوت‌های

فردی را در نظر بگیرند. بعضی بچه‌ها بر مبنای تأثیر هوش‌های چندگانه و زمینه‌های خانوادگی گرایش بیشتری به یکی از رشته‌ها

دارند. مثلاً بعضی بچه‌ها در بخش قصه و نمایش خیلی کار می‌کنند و خیلی هم پیشرفت می‌کنند. معلم به همان پیشرفت توجه

داشته باشد. بعضی بچه‌ها، دوست دارند یک گوشه بنشینند و نقاشی کنند. این‌ها علاقه‌های بچه‌هاست و قابل احترام است و چون

ما در هنر چیزی مثل زبان‌آموزی در فارسی نداریم که بگوییم این پیش‌نیاز اوست، حتماً باید یاد بگیرد تا به مرحله‌ی بعد برسد،

حساسیت به خرج نمی‌دهیم. این‌جا فقط می‌خواهیم ذوق بچه‌ها شکوفا شود آن‌ها زیبایی‌پسند شوند. روحیه‌شان لطیف شود و آن

آزادی که در دیگر درس‌ها ندارند و حتی در آپارتمان‌های ۵۰ متری محل سکونت ندارند، این‌جا آن آزادی را احساس کنند و بتوانند

درونشان را بیرون بریزند. به این وسیله تمام اضطرابشان تخلیه می‌شود. وقتی به ذوق و سلیقه‌ی بچه‌ها احترام گذاشته می‌شود،

یادگیری‌های دیگرشان هم ارتقا پیدا می‌کند.

